

بررسی و مقایسه سه ترجمه فرانسوی سوره توحید با رویکرد تحلیل گفتمان

نادره زمانی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۲

فاطمه زمانی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۴

چکیده

یکی از اصول مهم در ترجمه وفاداری به متن اصلی یا برابری است. از این روی، علاوه بر تسلط بر دستور زبان مبدأ و مقصد، لازم است مترجم از بافت فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و غیره متن مورد ترجمه نیز آگاه باشد. این مسأله در ترجمه متون مقدس از جمله قرآن کریم از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. در مقاله حاضر، با تکیه بر رویکرد تحلیل گفتمان، سه ترجمه فرانسوی سوره توحید با یکدیگر سنجیده شده است تا مشخص شود که کدام ترجمه به نص قرآن نزدیک‌تر است.

کلیدواژگان: قرآن، ساختارهای گفتمان مدار، واژه‌گزینی، برابری.

مقدمه

نخستین بار، قرآن از زبان لاتین به فرانسه ترجمه شد. تا اواسط قرن هفدهم کشیش‌ها و میسیونرها قرآن را از متن لاتین ترجمه می‌کرده‌اند. این ترجمه‌ها چندان با متن قرآن منطبق نبود، زیرا توسط کشیشانی به انجام می‌رسد که در صدد رد آنچه ترجمه می‌کردند، بودند. در سال ۱۶۴۷/ اندره دوریه قرآن را مستقیماً از زبان عربی به فارسی ترجمه کرد. در سال ۱۷۸۳ دومین ترجمه قرآن توسط ساواری صورت گرفت و سومین ترجمه منسجم قرآن توسط کازیمیرسکی انجام شد. از این زمان به بعد، نقش مسلمانان در ترجمه‌های قرآن ظاهر می‌شود و در سال ۱۸۶۱ یعنی ۲۱ سال بعد از ترجمه کازیمیرسکی، ترجمه فاطمه زید به انجام می‌رسد. در سال ۱۹۲۹/ دوارد مونته رییس دانشکده تئولوژی دانشگاه ژنو ترجمه جدیدی از قرآن ارائه می‌دهد. این ترجمه با متون قرآنی منطبق بوده اما جایگزین ترجمه کازیمیرسکی نشد، زیرا روانی آن با ترجمه کازیمیرسکی برابری نمی‌کرد. از آغاز قرن بیستم مسلمانان شروع به ترجمه قرآن نمودند. در سال ۱۹۳۱/ بن داوود و احمد لامش، دو مترجم الجزایری، قرآن را به زبان فرانسه ترجمه نمودند. در سال ۱۹۴۶/ احمد تیجانی با همکاری اکتاو پسلی ترجمه جدیدی از قرآن را ارائه داده‌اند. بین سال‌ها ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱ ترجمه رجیس بلاشر استاد ادبیات عربی دانشگاه سوربن و اسلام شناس بزرگ قرن بیستم منتشر شد. در سال ۱۹۵۶ امور غدیره استاد دانشگاه لیون ترجمه‌ای از قرآن را ارائه داده است. در سال ۱۹۵۹ محمد حمید/الله، مسلمان هندی تبار قرآن را ترجمه نموده است. در سال ۱۹۶۷ خانم دنیز ماسن ترجمه قرآن را ارائه کرده است. در سال ۱۹۷۲ حمزه بوبکر، رییس مسجد مسلمانان در پاریس قرآن را ترجمه نموده است.

یکی از اصول مهم در ترجمه وفاداری است. از این روی، تسلط مترجم بر زبان مبدأ و مقصد، شناسایی سبک نویسنده، جنبه‌های زیبایی‌شناسی متن و محتوای آن از اهمیت خاص و بسزایی برخوردار است. مترجم باید به زبان به عنوان باز نمود نظامی از مفاهیم و اندیشه‌ها بنگرد که از جامعه، گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر آن شکل می‌گیرد و در قالب زبان گفتار و نوشتار به عنوان ابزار ارتباطی تجلی می‌یابد. این مسأله به ویژه در ترجمه آیات قرآنی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا آگاهی مترجمان بر ساختارهای

گفتمان مدار، ملاحظات غیر زبانی و توصیف فرازبانی، مشکلات فرآیند برابریابی را برای مفاهیم و آموزه‌های قرآنی تقلیل می‌دهد. مقاله حاضر در نظر دارد با روش تحلیلی-توصیفی و با استناد بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، نقش آشنایی مترجمان با ساختارهای گفتمان مدار را در انتخاب برابره‌های مناسب و گزینش‌های واژگانی در ترجمه نص قرآن بررسی کند. پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت‌اند از:

الف. کدامیک از مترجمان در ترجمه واحدهای زبانی از زبان مبدأ به مقصد، برای دستیابی به برابره‌های ترجمه موفق‌تر عمل کرده است و علت آن چیست؟

ب. مترجمان تا چه اندازه از ساختارهای گفتمان مدار زبان مقصد متأثر شده‌اند؟

بدین منظور، از میان ترجمه‌های موجود قرآن به زبان فرانسه، ترجمه‌های حمید الله، دکتر فخری و کازیمیرسکی از سوره توحید، انتخاب شدند.

پیشینه تحقیق

صاحب‌نظران حوزه ترجمه و پژوهش‌های قرآنی در کتاب‌ها و مقالات بسیاری به نقد و تحلیل ترجمه‌های فارسی قرآن کریم پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به آثاری چون ترجمه قرآن مجید توسط ابوالقاسم پاینده (۱۳۳۶)، ترجمه قرآن کریم توسط جلال‌الدین فارسی (۱۳۶۹)، ترجمه قرآن حکیم توسط سید جلال‌الدین مجتبوی (۱۳۷۱) و کتاب‌های «درباره ترجمه استاد آیتی از قرآن کریم»، و «سیر بی‌سلوک» اثر بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۷۶) اشاره کرد. همچنین، از مقالاتی مانند «نقدی بر ترجمه آقای بهاء‌الدین خرمشاهی از قرآن کریم [۱] (از آغاز تا سوره قصص)» از محمدعلی کوشا (۱۳۷۶)؛ «نگاهی به ترجمه سوره توبه از عبدالمحمد آیتی»، نوشته مسعود انصاری (۱۳۷۶)؛ «ترجمه قرآن مجید (به قلم آقای ابوالقاسم پاینده)» اثر سید محمد فرزانه (۱۳۳۷)؛ «نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم، از آیت الله مکارم شیرازی» از مرتضی کریمی‌نیا (۱۳۷۵)؛ «نگرشی به ترجمه قرآن استاد آیتی» از سید حیدر علوی نژاد، (۱۳۷۴)؛ «مترجمان و لغزش در فهم معنای ان» نوشته مرتضی کرباسی (۱۳۷۳)؛ «توصیف در ترکیب‌های اضافی قرآن و لغزش‌های برخی از مترجمان» از حمید آریان (۱۳۷۸)؛ «ضرورت ترجمه‌ای آکادمیک از قرآن کریم»، نوشته احمد/حمیدی (۱۳۷۳) یاد کرد. در اغلب این تحقیقات، روساخت و ژرف ساخت ترجمه‌ها در سطح واژگانی و دستور

زبانی مورد ارزیابی قرار گرفته است و حتی در مواردی به علائم سجاوندی نیز پرداخته شده است. لیکن تا کنون مقاله‌ای که بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان‌های دیگر را موضوع پژوهش خود قرار داده باشد، نوشته نشده است. بر این اساس، این پژوهش با انتخاب سوره توحید که یکی از مهم‌ترین سوره قرآنی از نظر گفتمان عقیدتی دین اسلام است و مقایسه آن با سه ترجمه فرانسوی‌اش، نقش و اهمیت آگاهی مترجمان از ساختارهای گفتمان‌مدار قرآن را مورد واکاوی قرار داده است. لازم است پیش از پرداختن به نقد و تحلیل ترجمه‌های انتخاب شده، اندکی درباره تحلیل گفتمان و کارکرد آن در بررسی ترجمه توضیح دهیم.

مبانی نظری تحقیق

اصطلاح تحلیل گفتمان را نخستین بار در سال ۱۹۵۲ زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیک هریس، به کار برد. تحلیل گفتمان یک رویکرد میان رشته‌ای پیچیده و گسترده است که شامل زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌باشد (Wortham, 2007). در واقع، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلا فصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۹۰: ۸). تحلیل گفتمان انتقادی که رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان است و هدف آن، آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرآیندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۱). وند/یک تحلیل گفتمان انتقادی را روشی می‌داند که سوء استفاده از قدرت اجتماعی، سلطه و نابرابری و نیز مقاومت متون در بافت‌های اجتماعی و سیاسی در مقابل آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Van Dijk, 1998: 1) که این هدف با استفاده از ابزارهای زبان‌شناسی انتقادی مبتنی بر زبان‌شناسی نقش‌گرای هلییدی انجام می‌شود (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۳). از جمله اندیشمندانی که به صورت عمیق روی تحلیل گفتمان انتقادی کار کرده‌اند و در توسعه آن سهم بسزایی داشته‌اند، می‌توان به وند/یک، وداک و فرکلاف اشاره کرد. وند/یک بر اساس گرایش چند رشته‌ای خود، برای روشی که در تحلیل گفتمان انتقادی به کار می‌گیرد، برچسب تحلیل

گفتمان شناختی- اجتماعی را برمی‌گزینند. وند/یک بر این باور است که بین ساختارهای اجتماعی رابطه مستقیمی وجود ندارد و آنها همیشه به واسطه شناخت فردی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. از این رو، او مثلث «جامعه- شناخت- گفتمان» را عرضه می‌کند. در مثلث وند/یک، ایدئولوژی نقش چشمگیری در خلق شناخت‌های اجتماعی مورد پذیرش گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها یا نهادها بازی می‌کند. وی معتقد است که گفتمان ایدئولوژیکی اغلب از استراتژی‌های کلی (مربع ایدئولوژیکی) استفاده می‌کند که عبارت‌اند از تأکید بر خوبی‌های خود؛ تأکید بر بدی‌های دیگران؛ عدم تأکید بر بدی‌های دیگران، عدم تأکید بر خوبی‌های دیگران.

روث وداک با رویکردی جامعه‌شناختی و تاریخی، گفتمان (زبان نوشتاری و گفتاری) را شکلی از کردار اجتماعی در نظر می‌گیرد. گفتمان هم از این نظر که به حفظ و باز تولید وضع موجود اجتماعی کمک می‌کند و هم بر دگرگونی آن تأثیر دارد، سازنده است. از این نظر گفتمان دارای اهمیت تاریخی می‌باشد (Wodak, 2005:9). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه نیز از قابلیت فوق العاده در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار است. لاکلا و موفه گفتمان را مجموعه منسجمی از افراد، مفاهیم و واژگان می‌دانند که حول یک دال برتر قرار گرفته، به زندگی انسان معنا می‌بخشد (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). آنها با طرح مفاهیمی چون دال و مدلول، دال مرکزی، دال شناور، اختیاری بودن رابطه دال و مدلول، هژمونی، عنصر، گفتمان‌گونگی، بی‌قراری، ضدیت و غیریت، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، ساختارشکنی، قدرت، و اسطوره، به تحلیل گفتمان‌های سیاسی می‌پردازند. با توجه به سه رویکرد مطرح‌شده در رابطه با تحلیل گفتمان انتقادی، سه سطح برای این نوع گفتمان به عنوان یک روش تحقیق کیفی قابل تشخیص می‌باشد:

۱- سطح توصیف: در این سطح متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی، مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شود.

۲- سطح تفسیر: به تفسیر متن بر مبنای آنچه که در سطح توصیف بیان شده با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی و عوامل بینامتنی می‌پردازد.

۳- سطح تبیین: به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی - اجتماعی می‌پردازد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹).

بنا بر آنچه درباره ترجمه و رویکرد تحلیل گفتمان بیان شد، پرسش اصلی پژوهش حاضر را اینگونه می‌توان مطرح کرد که ساختارهای گفتمان مدار و توصیفات فرازبانی (در سطح توصیف، تفسیر و تبیین) ترجمه‌های فرانسوی سوره توحید چقدر منطبق یا متمایز از آن هستند. در ادامه هر یک از ساختارهای گفتمان مدار مانند گزینش واژگانی، استعاره، ضمیر و تغییر ارجاع، فرآیند اسم‌سازی، طرد کنش‌گرها، بکارگیری مجهول در برابر معلوم و وجه‌نمایی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تحلیل و بررسی سه ترجمه فرانسوی سوره توحید

پیش از پرداختن به نقد و بررسی ترجمه‌های سوره توحید لازم است اندکی درباره مشخصات کلی، معانی و مفاهیم این سوره توضیحاتی داده شود. سوره توحید صد و دوازدهمین سوره قرآن است که در مکه بر پیامبر اکرم نازل شده و شامل ۴ آیه می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ج ۴۲۷/۲۷). بر اساس چندین تحقیق قرآنی، این سوره در نخستین سال‌های رسالت پیامبر در شهر مکه و پس از سوره‌های ناس بر پیامبر نازل شده است. اما برخی دیگر معتقدند که این سوره در مدینه نازل شده است. در تفسیر «مجمع البیان» ۴ آیه برای این سوره ذکر شده است. اما برخی دیگر از تفاسیر ۵ آیه برای آن در نظر می‌گیرند زیرا سومین آیه را شامل ۲ آیه می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۸: ج ۱۶/۱۵۰). این سوره بازگشت همه چیز را در وجود و احتیاجات‌اش به سوی خدا می‌داند. هیچ کس شریک خداوند نیست در ذات و صفات و عمل. این یکتاپرستی قرآنی متعلق به قرآن است و همه علوم اسلامی بر مبنای آن بنا نهاده شده‌اند. بر اساس روایت‌ها این سوره با ۱/۳ قرآن برابری می‌نماید و از نقطه نظر معنایی بسیار مهم است (همان). زجاج می‌گوید که این سوره به انسان‌هایی پاسخ می‌دهد که توصیف خدا را می‌خواستند و این سوره پاسخی است که خدای بزرگ که شما توصیف‌اش را می‌خواستید یکتا و بی‌همانند است. برخی می‌گویند که خدا خداست و بدون آغاز است و

او وجود را خلق کرده است. دیگران می‌گویند که پروردگار یکتاست و نظیری ندارد در صفات و ویژگی‌ها و هیچ کس نمی‌تواند با او در این صفات شریک گردد برای اینکه او زنده و قدرتمند است و صفاتی دارد که تنها مختص خداست (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲۰ / ۸۸۵).

بررسی عنوان و تعداد آیات سوره توحید

با توجه به این توضیحات نخستین موضوعی که در ترجمه این سوره مورد توجه قرار می‌گیرد، عنوان و تعداد آیات آن است. برای این سوره مقدس اسم‌های متفاوتی همانند اخلاص، توحید، قل هو الله احد، اساس و احد ذکر شده است. اخلاص به معنی خالص بودن است و از این روی به این سوره اخلاص می‌گویند که با اعتقاد به این سوره، انسان یکتاپرست می‌گردد و می‌تواند عقیده بت‌پرستی خود را پاک‌سازی نماید. توحید به معنی یکتاپرستی است و از آنجا که از آغاز تا پایان این سوره، وحدانیت پروردگار را توضیح می‌دهد و کسی که پروردگار را می‌پرستد، یکتاپرست می‌گردد، به آن توحید گفته‌اند. نام دیگر این سوره «قل هو الله احد» است؛ زیرا خداوند بلند مرتبه، در آیه نخست به پیامبرش می‌گوید: «قل هو الله احد». همچنین، چون این سوره پایه و اساس دین را یادآور می‌شود و سرلوحه دعوت پیامبر اکرم و همه کتاب‌ها و دعوت‌های آسمانی است، "اساس" نامیده شده است. آخرین نامی که برای این سوره یاد شده است «احد» است؛ زیرا بر وجود خداوند یکتا و بی‌بدیل اشاره دارد. علاوه بر این، این سوره را شجره‌شناسی پروردگار نامیده‌اند زیرا هر چیز ریشه‌ای دارد و ریشه پروردگار این سوره است (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۳۰ / ۱۴۹۹ و ۱۵۰۰).

اجزاء سوره	متن قرآن	ترجمه حمیدالله	ترجمه فخری	ترجمه کازیمیرسکی
عنوان سوره	توحید	Pureté	Le Pur Culte	Unité de Dieu
آیه اول	قل هو الله احد	Dis: lui, dieu, est unique	Dis : Dieu est un	Dis: Dieu est un
آیه دوم	الله الصمد	Dieu,l' Absolu	Dieu, sublime par son Essence -meme	C'est le Dieu éternel

I n'a point enfanté et n'a point été enfanté	Il nengendre pas, il n'a pas été engendré	Il n'a jamais enfanté, plus	لم یلد و لم یولد	آیه سوم
I n'a point d'égal ^۱	Nul n'est pareil à lui	Et nul n'est égal à lui	و لم یکن له کفوا احد	آیه چهارم

جدول مقایسه‌ای ترجمه‌های سوره توحید

حمید الله عنوان «pureté» (با تلفظ پورته) را داده است که در فرهنگ رابرت این معنی را می‌دهد: «ذاتی که هیچ اثری از ذات دیگر ندارد، خلوص بیچگی، خلوص زبان». به نظر می‌رسد که انتخاب حمید الله با نخستین تعریف «مجمع البیان» مطابقت دارد. دکتر فخری عنوان «Le Pur Culte» (با تلفظ لو پوق کولت) را برگزیده است. «Culte» یعنی آیین عبادی و تعریف «Pur» (با تلفظ پور) در فرهنگ لاروس پاک معنی شده است و به عنوان مثال هوای پاک برای آن ذکر شده است که با تعریف «مجمع البیان» مطابقتی ندارد. کازیمیرسکی عنوان «unité de Dieu» (با تلفظ یونیه دو دیو) معنای وحدانیت خدا را برگزیده است که این عنوان با دومین تفسیر «مجمع البیان» مطابقت دارد.

توصیف، تبیین و تفسیر آیه نخست در متن مبدأ

آیه «قل هو الله احد»، وحدت وجود خداوند را می‌ستاید. از نظر دستور زبان، «قل» فعل امر است به معنی «بگو» و کلمه «هو» ضمیر است و در اینجا به منظور توجه دادن به محتوای جمله بعدی «الله احد» استفاده شده است. درباره کلمه «الله» نیز باید گفت که این کلمه اسم خاص خداوند نیست ولی به دلیل استفاده بی‌شمار، نام خاص خداوند گشته است. کلمه «احد» صفت است. کلمه «unité» (با تلفظ اونیه) به معنای یگانگی و وحدت از این کلمه می‌آید. اما تفاوتی بین دو کلمه «un» به معنای یکی و «unité» به معنای یکتا وجود دارد. کلمه احد در زبان عرب وقتی استفاده می‌شود که چیزی شایستگی چندگانگی در ذهن و در برون از ذهن را نداشته باشد. کلمه احد در زبان عرب

^۱ - wikipedia.org/wiki.

به عدد تعلق ندارد. اما هر واحدی، دوم یا سومی در بیرون دارد که می‌تواند گسترش یابد. اما کلمه احد را فقط برای خدا استفاده می‌کنیم و حتی اگر ما چیز دومی را برای احد فرض کنیم، باز همان چیز است و چیزی به آن اضافه نشده است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲۰ / ۸۸۶).

در تفسیر «مجمع البیان» درباره این سوره آمده است که خداوند بزرگ را توصیف می‌کند و نخستین آیه می‌گوید: «قل هو الله احد». واژه «قل» در زبان عرب فعل امر است به معنی «بگو». در این آیه پروردگار بلندمرتبه به پیامبر امر می‌کند که به تمام انسان‌ها بگوید که خداوند یکتاست و تنها باید او را پرستید و عبادت کرد. عقیده دیگری وجود دارد که خداوند در کارهایش یکتا و بی‌نظیر است برای آنکه همه کارهای خداوند خیرخواهی برای پدیده‌هاست علی‌الخصوص برای انسان، و او هرگز بهره‌ای از آن را نمی‌برد و خسران از او دور است. به همین دلیل یکتا و بی‌نظیر است و هیچ کس چون او قابل پرستش نیست. از سوی دیگر، او پایه و اساس نیکی‌های زندگی چون قدرت، خواسته‌ها و آرزوها و خوبی‌ها و دیگر خوبی‌های اولیه را آفریده است. هیچ کس غیر او نمی‌توانسته است این کارها را خلق کند. بنابراین او یکتا و بی‌نظیر است. برخی مفسران می‌گویند که در نخستین آیه این سوره کلمه احد استفاده شده، نه کلمه واحد زیرا کلمه احد ذاتی بی‌نظیر دارد که قابل تقسیم نه در ذهن و نه در خارج آن ذهن و نه در صفات می‌باشد. کلمه احد می‌خواهد یکتایی و بی‌نظیری را بیان کند و هر دو کلمه احد و واحد هم معنی هستند یعنی ذاتی که یکتاست و بی‌بدیل است. یکتاپرستی، اعتراف صادقانه به یگانگی خداوند را بیان می‌کند. کلمه احد از عدد نمی‌آید برای آنکه احد دومی ندارد که بتواند به عدد بیان شود ولی پایه و اساس عدد و رقم است (طبرسی، ۱۳۷۸: ج ۱۶ / ۱۵۱۱).

تفسیر «مجمع البیان» درباره کلمه «هو» این روشن‌گری را ابراز می‌دارد که وجود پروردگار وجودی عالی و برتر از هیجان‌ات خارجی است، و این ضمیر «هو» مقابل با ضمیر «هذا» در زبان عربی است که چیزهای بیرونی و محسوس را نشان می‌دهد. در زمان پیامبر کافران به بت‌ها اشاره می‌کردند و آن‌ها را خدایان محسوس می‌انگاشتند که با دیده قابل دیدن هستند و از پیامبر می‌خواستند که خدای خویش را به آن‌ها بنمایاند.

بدین ترتیب بود که پروردگار این سوره را در برابر سخنان آنان آشکار و نازل فرمود سخنانی که پر از خرافه و چند خدایی پرستی می‌بود. ای پیامبر! بگو خدا یکی است و ذات بی‌شریک و بی‌نیاز او، پابرجا و زنده است چشم‌ها او را نمی‌بینند اما او چشم‌ها را می‌بیند!

معادل کلمه «الله» به فارسی خدا می‌شود که همه مخلوقاتش که از وجود او و صفات او شگفت زده هستند و او را می‌پرستند. «الله» همان واقعیت والاست که چشم‌ها او را نمی‌بینند. /امام باقر(ع) سفارش می‌کند: کلمه «الله» که قابل پرستش است و مخلوقات نمی‌توانند آن را درک کنند و ذات بی‌نظیر و شریک وی را بفهمند و از طبیعت وی در شگفت هستند. او پاک است و مخلوقات نمی‌توانند وی را توصیف کنند. بنابراین «الله» دلالت بر خدایی دارد که انسان‌ها قادر به فهمیدن و درک آن نیستند و نمی‌توانند ذات بی‌بدیل وی را بشناسند و بر آن احاطه یابند. /امام باقر(ع) درباره نخستین آیه این سوره اظهار فرموده‌اند که: ای پیامبر، آنچه که ما درباره توصیف پروردگار به تو آشکار نموده‌ایم به روشنی به انسان‌ها بگو، باشد که گوش‌ها آن را بشنوند اطاعت کنند و به سوی او بازگردند(طبرسی، ۱۳۷۸: ج ۱۶ / ۱۵۱۱).

بررسی ترجمه نخستین آیه

1- Dis :Lui, Dieu, est unique

«بگو: او خدای یکتا است»

2- Dis :Dieu est un (son unité résultant de son Essence _ même)

«بگو: خدا یکی است»(وحدانیت او منتج از ذات اوست)

3- Dis : Dieu est un

«بگو خدا یکی است»

به طور کلی، «قل هو الله احد» را می‌توان با این فرمول subject+verb+attribute (مسند الیه + فعل + فاعل مسند) به زبان فرانسه ترجمه کرد. اما ترجمه اول که از حمید/الله است با فعل امر آغاز می‌شود. dis(با تلفظ دی) معادل کلمه «قل» به معنای «بگو» است و ضمیر تأکیدی «lui»(با تلفظ لویی) برابر ضمیر «هو» قرار گرفته است که ضمیر هو در زبان عربی، ضمیر اشاره است. «الله» بر اساس تفسیر «مجمع البیان»، نام

خاص خداوند است در زبان عرب است و فرهنگ لغت رابرت درباره کلمه «Dieu» (دیو) می‌گوید: اصل برتر و واحد برتر در تمدن مسیحی و کتاب مقدس است. در فرهنگ لاروس نیز درباره کلمه «دیو» اینچنین توضیح داده شده است که در مذاهب تک‌خدایی به وجود عالی و آفریننده همه چیزها و نجات‌دهنده دنیا اطلاق می‌شود. به عنوان مثال، معنای خدای خوب در فرهنگ لاروس برای آن ذکر می‌شود. کلمه احد در زبان عربی یعنی بی‌بدیل و این کلمه به عنوان اسم و صفت استفاده می‌شود و در این آیه نقش صفت دارد. حمید/الله احد را به «unique» (با تلفظ اونیک) ترجمه کرده است که از نظر دستوری صفت است. در فرهنگ لغت رابرت ذیل آن آمده است: (۱) کسی که تنهاست و همراهی ندارد از نوع خود و ضد چند و چندین است. (۲) کسی که تنهاست و به فرم و شکل این وحدت پاسخ می‌دهد.

مورد دوم و سوم متعلق به دکتر فخری و کازیمیرسکی است که هر دو نفر آیه را به صورت ترجمه کرده‌اند. آن‌ها از فعل امر «Dis» (با تلفظ دی) به معنای «بگو» به عنوان جایگزین «قل» استفاده کرده‌اند. در هر دو ترجمه، ضمیر «هو» ترجمه نشده است. انتخاب کلمه جلاله «الله» در هر دو ترجمه «Dieu» است (با تلفظ دیو) که صحیح است؛ زیرا اسم خاص خداوند است. اما در مورد استفاده دکتر فخری و کازیمیرسکی از برابر «un» برای «احد» لازم است رجوعی به فرهنگ لغت رابرت داشته باشیم. «un» صفت عددی است که به بر عدد «یک» دلالت می‌کند، مانند یک لحظه، یا هزار و یک شب، یک مرد یا یک بچه تک. لذا برای موصوف این صفت عددی می‌توان دو، سه، چهار و غیره در نظر گرفت.

بنابراین، تنها مورد اختلاف در برابری واژه، در ترجمه نخستین آیه در کلمه «احد» رخ داده است. کازیمیرسکی و دکتر فخری از کلمه «un» به جای «احد» استفاده نموده‌اند اما حمید/الله کلمه «unique» را استفاده نموده است. با توجه به گفتمان مداری کلمه «احد» در زبان عربی، برابر «unique» مناسب‌تر است تا «un». همچنین حمید/الله با در نظر گرفتن نقش تأکیدی ضمیر «هو» در آیه، به درستی از ضمیر تأکیدی «lui» استفاده کرده است، در حالی که دکتر فخری و کازیمیرسکی نه تنها این تأکید را در نظر گرفته‌اند بلکه حتی در ترجمه خود آن را حذف کرده‌اند.

توصیف، تبیین و تفسیر آیه دوم در متن مبدأ

آیه دوم در نص قرآن به صورت ﴿اللّٰهُ الصّمد﴾ آمده است و به این معنی است که پروردگار بی نیاز است؛ یعنی بی نیاز از همه خواسته‌ها که بتوان تصور نمود و هر نیازی توسط وی پاسخ داده می‌شود. برخی مفسران اظهار کرده‌اند که «صمد» هر چیز تو پری است که جوفاش خالی نباشد و جامع. بنابراین خداوند بی نیاز است یعنی نه می‌خورد، نه می‌آشامد، نه می‌خواهد، نه متولد می‌شود و نه می‌زاید (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲۰/ ۸۸۸). این کلمه به مفهوم سرور و پروردگاری که بازگشت همه انسان‌ها در کارها و احتیاجاتشان، مطالبات و آرزوهایشان به سوی اوست (طبرسی، ۱۳۷۸: ج ۱۶/ ۱۵۱۲). امام حسین (ع) سفارش نموده است که: کلمه «صمد» یعنی کسی که در اوج سخاوت و برتری است، قدرتی دائمی ابدی و پایدار است. واقعیتی است فرای پدیده‌های مادی و کسی که نه می‌خورد، نه می‌آشامد و نه می‌خواهد (همان: ج ۱۶/ ۱۵۱۳).

امام سجاد (ع) می‌فرمایند: صمد کسی است که بی همتاست و همه چیز را می‌تواند حفظ کند و هیچ رازی بر وی پوشیده نیست. گفته‌اند که صمد قدرتی است که وقتی تصمیم می‌گیرد و به پدیده‌ای می‌گوید باش آن پدیده ظاهر می‌شود. امام باقر (ع) سفارش فرموده‌اند که: «صمد» هستی شریفی است که اطاعت از او مهم است. برخی دیگر می‌گویند: صمد کسی است که فرای تغییرات است، فرای تحول و این امور در ذات وی راه ندارند و بی‌بدیل است.

امام باقر (ع) می‌فرماید: الصمد در زبان عرب ۵ حرف دارد که هر حرف بر چیزی دلالت می‌کند: حرف الف بر تداوم وجود خداوند اشاره دارد که ورای درک توسط ابزارهای خارجی شناخت است؛ حرف لام بر شایستگی خداوند دلالت دارد. حرف ص در کلمه الصمد به صداقت پروردگار در گفتار، پیغام‌ها و قول‌ها اشاره دارد و او مخلوقات‌اش را به واقعیت و درستی فرا می‌خواند و شرافت و درستکاری آن‌ها را می‌طلبد. حرف میم حکم‌فرمایی پروردگار و قدرت و ابدیت‌اش را نشان می‌دهد. حرف دال نشانه سرزندگی است و مالکیت وی زیرا وجود بی‌بدیل پروردگار خالق پدیده‌ها و جان‌هاست (همان، ۱۳۷۸: ج ۱۶/ ۱۵۱۵، ۱۵۱۶). آمدن حرف تعریف «ال» در ابتدای «صمد» دلالت بر مختص بودن این ویژگی برای خداوند متعال دارد.

بررسی ترجمه‌های آیه دوم

1-Dieu, l' Absolu.

«خدای مستقل»

2- Dieu, l'eternel (sublime par son Essence –même).

«خدای ابدی (جلیل القدر از ذات وجودی خود)»

3- C'est le Dieu éternel.

«این است خدای ابدی»

مترجم اول (حمید *الله*) «الله الصمد» را به «Dieu, l' Absolu» ترجمه کرده است که در ساختار جمله آن فعلی به کار نبرده است. در زبان‌های فارسی و انگلیسی و دیگر زبان‌ها، جمله‌ای بدون فعل ساخته نمی‌شود یعنی اگر جمله دارای یک فعل اصلی نباشد، از افعالی استفاده می‌شود که در فارسی آن‌ها را «فعل ربطی» (است، بود، شد، گشت) و در انگلیسی آن‌ها را فعل کمکی (did, do / does, was / were, am / is / are) می‌نامند. ولی در زبان عربی اگر جمله حاکی از زمان حال باشد و دارای هیچ گونه فعل اصلی نباشد، فقط از دو اسم تشکیل می‌شود و اگر جمله حاکی از زمان گذشته یا آینده باشد، باید از فعل ماضی «کان» یا مضارع آن «یکون» استفاده شود. افعال ربطی یا افعال ناقصه افعالی هستند که به تنهایی معنای کاملی ندارند و باید معنای آن‌ها را در جمله یافت. فعل *etre* (با تلفظ *اتخ*) از نظر دستوری، فعل ربطی است به معنای «بودن» که ارتباط بین اعضای اصلی جمله را بر عهده می‌گیرد. ما این ساختار را بیش‌تر در جملاتی که با *subjet* (فاعل مسند) و *attribut* (مسند الیه) شروع می‌شوند، می‌یابیم. در زبان فرانسه افعال ربطی قابل حذف نیستند.

بنابراین، نخستین خطای حمید *الله* این است که کلمه «صمد» را به عنوان اسم در نظر گرفته است، نه صفت. در حالی که «صمد» صفت خداوند است و «ال» در ابتدای *صمد* سمبل اعجاز است؛ زیرا تنها خداست که این صفت به او تعلق دارد. بنابراین، حمید *الله* این اعجاز را یعنی آمدن «ال» به ابتدای کلمه *صمد* با حرف تعریف معرفه در زبان فرانسه نشان می‌دهد. او می‌توانست این موصوف و صفت را با فرمول «صفت + فعل ربطی + موصوف» ارائه نماید. صفات در زبان فرانسه حرف تعریف نمی‌گیرند و این خصیصه تنها مختص اسم در زبان فرانسه است.

همچنین، در ترجمه حمید/الله، کلمه «Dieu» به عنوان معادل برابر کلمه جلاله الله که اسم خاص خداوند در زبان عرب است، ذکر شده است که همانطور که در آیه قبل به آن اشاره کردیم در فرهنگ لغت رابرت این کلمه به معنی اصل برتر و واحد برتر در تمدن مسیحی و کتاب مقدس است. حمید/الله به جای کلمه «صمد» واژه «Absolu» (ابزولو) را به کار برده است. در فرهنگ لغت رابرت ذیل این کلمه آمده است: «این کلمه صفت است که هیچ محدودیتی را به همراه ندارد؛ کامل، به عنوان مثال: من به او اطمینان کامل دارم؛ عدم امکان مطلق؛ نقد و تضاد را نمی‌پذیرد؛ استبداد تمام؛ چیزی که ارتباطی با کسی ندارد؛ اکثریت مطلق؛ آنچه که وجود دارد مستقلاً از هر شرایطی و هر رابطه‌ای با چیز دیگر». لذا، چون «Absolu» به کسی اطلاق می‌شود که می‌تواند بدون وابستگی به کسی یا چیزی در هر شرایطی وجود داشته باشد، انتخاب مناسبی در برابر واژه «صمد» است.

در دومین ترجمه (دکتر فخری) نیز، کلمه «صمد» اسم در نظر گرفته شده است و به جای حرف تعریف «ال» که دلالت بر ایجاز دارد و «صمد» را صفتی منحصر به خداوند می‌گرداند، از حرف تعریف معرفه فرانسه استفاده شده است. بنابراین، دکتر فخری ساختار جمله را مثل حمید/الله ترجمه نموده است و «الله الصمد» را مثل موصوف و صفت لحاظ نکرده است. همچنین، در ترجمه وی، واژه «Eternel» (با تلفظ اتقنل) به جای «صمد» به کار رفته است. در فرهنگ رابرت، این کلمه یعنی چیزی خارج از زمان که شروع و پایانی ندارد. «مثال: خداوند ابدی است. که برای همیشه پایدار است. زندگی ابدی، نگاه ابدی. برف‌های ابدی که آب نمی‌شوند. من از شکایات ابدی‌اش خسته هستم. آنچه که مداوم ادامه می‌یابد» (رابرت، ذیل etetnel).

با توجه معانی که برای این کلمه ذکر شده است، نمی‌تواند معادل مناسبی برای کلمه صمد باشد. زیرا همانطور که در تفسیر «المیزان» گفته شده است «صمد» کسی است که نیازمند نیست و همه به او احتیاج دارند. در حالی که «Eternel» در فرهنگ رابرت کسی برای همه زمان‌هاست. کاربرد این کلمه در فرهنگ لاروس چنین است: کسی که نه شروع و نه پایانی دارد؛ به عنوان مثال عقیده داشتن به خدای جاویدان برای آن ذکر شده است.

کازیمیرسکی این آیه چنین ترجمه کرده است: «C'est le Dieu éternel». کازیمیرسکی، مانند دکتر فخری به جای کلمه «صمد» از کلمه «éternel» استفاده می‌کند ولی آن را به صورت صفت به کار می‌برد. وی از فرمول صفت + اسم + تعیین کننده + C'est استفاده کرده است. C'est در زبان فرانسه برای معرفی به کار می‌رود که معادل آن در زبان عربی «هذا» است. قابل ذکر است که این ضمیر در آیه وجود ندارد و احتیاجی به این ترجمه افزوده نیست.

بررسی سه ترجمه یاد شده نشان می‌دهد که مترجمان در تشخیص ساختار جمله دچار لغزش شده‌اند و موصوف و صفت را به عنوان دو اسم در نظر گرفته‌اند. بنابراین شکل درست دستوری ترجمه آیه دوم به زبان فرانسه می‌توانست به صورت «subject+verb+attribute» (مسند الیه + فعل + مسند) باشد. همچنان دکتر فخری و کازیمیرسکی کلمه صمد را به «éternel» ترجمه کرده‌اند. این کلمه به معنی بی‌آغاز و ازلی است. لذا نمی‌تواند معادل مناسبی برای واژه صمد که به معنی بی‌نیاز مطلق است، باشد.

توصیف، تفسیر و تبیین آیه سوم در متن مبدأ

در زبان عرب، حرف لم از حروف جازمه است. حروف جازمه حروف عامل هستند که قبل از فعل می‌آیند و فعلی که وجه آن اخباری زمان حال است به ماضی ساده منفی ترجمه می‌شود (گذشته ساده منفی = فعل وجه اخباری زمان حال + لم). در مواردی نیز لم جایگزین لما شده و فعل به صورت ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود.

این آیه به رد عقائد نصاری و یهود و مشرکان عرب که برای خداوند فرزندی، یا پدری قائل بودند، پرداخته، می‌فرماید: نژاد و زاده نشده (لم یلد و لم یولد). در مقابل این بیان، سخن کسانی است که معتقد به تثلیث (خدایان سه‌گانه) بودند، خدای پدر، و خدای پسر، و روح القدس! نصاری مسیح را پسر خدا، و یهود عزیر را پسر او می‌دانستند (توبه/ ۳۰). مشرکان عرب نیز معتقد بودند که ملائکه دختران خدا هستند (انعام/ ۱۰۰).

از بعضی روایات استفاده می‌شود که تولد در آیه لم یلد و لم یولد معنی وسیع‌تری دارد، و هرگونه خروج اشیاء مادی و لطیف را از او، و یا خروج آن ذات مقدس از اشیاء

مادی و لطیف دیگر را نفی می‌کند. چنانکه /مادام حسین(علیه السلام) در پاسخ اهل بصره در تفسیر صمد مرقوم فرمود، جمله لم یلد و لم یولد چنین تفسیر شده: لم یلد یعنی چیزی از او خارج نشد، نه اشیاء مادی مانند فرزندان، و سایر اشیائی که از مخلوقین خارج می‌شود(مانند شیر از پستان مادر) و نه چیز لطیف، مانند نفس، و نه عوارض گوناگون، مانند خواب و خیال و اندوه و حزن و خوشحالی و خنده و گریه و خوف و رجاء و شوق و ملالت و گرسنگی و سیری، خداوند برتر از این است که چیزی از او خارج شود. نیز برتر از آن است که او متولد از شیء مادی و لطیف گردد... مانند خارج شدن موجوده زنده‌ای از موجود دیگر، و گیاه از زمین، و آب از چشمه و میوه از درختان، و خارج شدن اشیاء لطیف از منابع‌اش، مانند دیدن از چشم، و شنیدن از گوش، و استشمام از بینی، و چشیدن از دهان، و سخن از زبان، و معرفت و تشخیص از دل، و جرقه آتش از سنگ(رک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ج ۲۷ / ۴۴۲).

بررسی ترجمه‌های آیه سوم

1- Il n'a jamais enfanté, n'a pas entanté non plus.

«او هرگز نزاییده است، نیز زاده نشده است»

2- Il n'engendre pas, il n'a pas été engendré.

« او نمی‌زاید، زاده نشده است»

3- Il n'a point enfanté et n'a point été enfanté.

«او نزاییده است و زاده نشده است»

ترجمه اول که متعلق به حمید/الله است، فعل ماضی نقلی صحیح انتخاب شده است. همچنین در ترجمه وی لغت «jamais» (با تلفظ ژمه) به معنای هرگز افزوده ترجمه‌ای است و برای تأکید بر «ne» (با تلفظ نه) آمده است؛ یعنی در هیچ زمانی یعنی پروردگار هرگز تا زمان حال نزاییده است. با توجه با اینکه لم معنای هرگز را نیز در بردارد، این افزوده ترجمه‌ای به درستی انتخاب شده است. همچنین، حمید/الله فعل «لم یولد» را نیز به درستی به صورت مجهول نقلی ترجمه نموده است. وی از کلمه «non plus» (با تلفظ نن پلوس) استفاده کرده که منفی «aussi» (با تلفظ اسی) است. که این کلمه در ترجمه آیه وجود ندارد و مترجم خود این کلمه را اضافه نموده است.

حمید/الله در برابر واژه «نزاییده و زاده نشده است» از فعل «enfanter» (با تلفظ آنفانته) استفاده کرده است که به معنی «به دنیا آوردن، اثری را خلق کردن». به نظر می‌رسد این واژه در برابر «لم یلد و لم یولد» انتخاب مناسبی است.

ترجمه دوم که متعلق به دکتر فخری است، در ترجمه زمان فعل «لم یلد» دچار لغزش شده است. دکتر فخری فعل بخش اول را به زمان حال ترجمه نموده است. در حالی که در قسمت‌های قبلی توضیح دادیم که این فعل به صورت ماضی نقلی منفی است اما در بخش دوم دکتر فخری فعل ماضی نقلی مجهول را به درستی انتخاب نموده است. شیوه منفی کردن دکتر فخری ساده است و با آیه مطابقت می‌نماید.

دکتر فخری از کلمه «engendrer» (با تلفظ آنژاندقه) به عنوان معادل «ولد و یلد» استفاده کرده است. این کلمه در فرهنگ رابرت به معنی «از راه تولید مثل تولید کردن. به دنیا آوردن» است. همچنین به معنی «او شاد است، غم نمی‌خورد» نیز آمده است که نمی‌تواند برابر مناسبی برای افعال «لم یلد و لم یولد» باشد.

ترجمه سوم که متعلق به کازیمیرسکی است، زمان فعل به درستی ماضی نقلی انتخاب شده است. وی نیز مانند حمید/الله برای کلمه «زاییدن و زاییده شدن» از معادل «enfanter» استفاده نموده است. اما برای منفی کردن از «point» و «ne» استفاده نموده است زیرا او قرآن را در قرن نوزدهم ترجمه نموده است و اینگونه منفی کردن در آن عصر متداول بوده است.

بررسی سه ترجمه آیه سوم نیز نشان می‌دهد که دکتر فخری در ترجمه زمان فعل «لم یلد» دچار لغزش شده است. همچنین وی در انتخاب معادل دقیق‌تر برای این فعل نیز موفق نبوده است، زیرا با توجه گستردگی معنایی که مفسران برای این فعل در نظر گرفته‌اند با انتخاب وی یعنی فعل «engendrer» همخوانی ندارد.

توصیف، تبیین و تفسیر آیه چهارم

بر اساس قواعد عربی، این آیه جمله فعلیه محسوب می‌شود؛ زیرا با یک فعل ربطی آغاز می‌شود یعنی «لم یکن». عبارت فعلی لم یکن از این قاعده دستوری پیروی می‌کند: (لم + یکن) (فعل وجه اخباری زمان حال). بنابراین، باید این فعل را به گذشته ساده

ترجمه شود. اما نمی‌توان جای لم و لما را عوض کرد. به این ترتیب، فعل را باید به زمان ماضی نقلی منفی ترجمه کرد؛ زیرا ماضی نقلی از گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه می‌یابد. یعنی پروردگار بی‌بدیل بوده است. همچنین، در این آیه لام بر سر ضمیر «هو» به منظور تأکید است. در زبان عربی این «لام» برای تأکید نفی پیش از خود می‌آید و به آن حرف جحد نیز گفته‌اند. «کفواً» در این آیه خبر مقدم و «احد» مبتدای مؤخر آن است.

در سطح تبیین و تفسیر این آیه باید کلمه «کفواً» را مورد توجه قرار داد. مطابق با تفسیر «مجمع البیان» کلمه «کفواً» به معنی شبیه بودن است با همان درجه و مرتبه (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۱۵۱/۱۶). در «تفسیر نمونه» نیز، «کفواً» به معنی هم‌تراز در مقام و منزلت و قدر است، و سپس به هر گونه شبیه و مانند اطلاق می‌شده است. مطابق این آیه تمام عوارض مخلوقین، و صفات موجودات، و هر گونه نقص و محدودیت، از ذات پاک او منتفی است، این همان توحید ذاتی و صفاتی است، در مقابل توحید عددی و نوعی که در آغاز تفسیر این سوره به آن اشاره شد. بنابراین، او نه شبیهی در ذات دارد، نه ماندی در صفات، و نه مثلی در افعال، و از هر نظر بی‌نظیر و بی‌مانند است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ج ۲۷/۴۴۳).

بررسی ترجمه‌های آیه چهارم

1- Et nul n'est égal à lui

«و هیچ چیز با او مساوی نیست»

2- Nul n'est pareil à lui

«هیچ چیز شبیه به او نیست»

3- Il n'a point d'égal

«او برابری ندارد»

در ترجمه آیه چهارم (و لم یکن له کفو احد) «له» که جار و مجرور (ل + هو) است، حمید الله «حرف اضافه + ضمیر تأکیدی» یعنی (à+lui) با تلفظ (ا+لویی) را برای آن به کار برده است. این ترکیب در زبان فرانسه مالکیت را می‌رساند. معنای «nul» (با تلفظ نول) در فرهنگ رابرت «هیچ و هیچ کس» است. مثلاً در این جملات به کار برده

می‌شود: شخصی که من هیچ احتیاجی به او ندارم. هیچ گونه شک و تردید ندارم. هیچ کس نمی‌تواند قانون را نادیده بگیرد. حمید/الله زمان فعل را به ماضی نقلی تغییر نداده است و زمان فعل این جمله در ترجمه فرانسه حال است. وی برای ترجمه «کفوا» برابر «égal» استفاده کرده است. در فرهنگ رابرت درباره این کلمه آمده است: همان مقدار، همان بعد، همان طبیعت، همان کیفیت، دو مقدار مساوی با مقدار سومی می‌توانند برابری نمایند. مثلاً همه شهروندان در برابر قانون مساوی هستند. زن با مرد مساوی است.

دکتر فخری زمان حال را برای ترجمه فعل «لم یکن» انتخاب نموده است که صحیح نمی‌باشد. در آیه سوم توضیح دادیم لم بر سر فعل مضارع به شکل ماضی نقلی ترجمه می‌شود واژه برابر «کفوا» را کلمه «pareil» در نظر گرفته‌اند. در فرهنگ رابرت درباره کلمه «pareil» آمده است که «شبهه در حالت، شبیه و نظیر». با توجه به فرهنگ رابرت «pareil» بیش‌تر متناسب است با «کفوا» تا کلمه «égal» در ترجمه حمید/الله.

در ترجمه سوم که متعلق به کازیمیرسکی است، از ضمیر «Il» (با تلفظ ایل) به معنای او مذکر به عنوان برابر «احد» استفاده شده است. زمان جمله حال (مضارع) ترجمه شده است که صحیح می‌باشد. فرم منفی کردن وی «ne» و «point» است که امروزه کم‌تر به کار می‌رود. او مثل حمید/الله از کلمه «égal» استفاده نموده که ما دو کلمه «égal» و «pareil» را در سطور پیش مورد بررسی قرار دادیم. برای ترجمه «لَهُوَ» حمید/الله و دکتر فخری این فرمول را به کار بردند: «Etre+à+pronom tonique». واژه «Être à» (با تلفظ اتخ ا) به معنی متعلق بودن و «pronom tonique» (با تلفظ پخونوم تونیک) ضمیر تأکیدی است. کازیمیرسکی «avoir de» را استفاده می‌نماید که با «لم یکن» مناسبتی ندارد. زیرا avoir (با تلفظ اوواک) از نظر دستوری مصدر است که معنای آن «داشتن» است.

نتیجه بحث

در پژوهش حاضر با بررسی ساختمان دستوری و کلمات گفتمان مدار سوره توحید و مطابقت آن با سه ترجمه فرانسوی‌اش نشان می‌دهد که در ترجمه آیه اول تنها مورد

اختلاف بین مترجمان در برابری واژه «احد» رخ داده است. کازیمیرسکی و دکتر فخری از کلمه «un» به جای «احد» استفاده نموده‌اند اما حمید/الله کلمه «unique» را استفاده نموده‌است. با توجه به گفتمان‌مداری کلمه «احد» در زبان عربی، برابر «unique» مناسب‌تر است تا «un». همچنین حمید/الله با در نظر گرفتن نقش تأکیدی ضمیر «هو» در آیه، به درستی از ضمیر تأکیدی «lui» با تلفظ لویی استفاده کرده است، در حالی که دکتر فخری و کازیمیرسکی نه تنها این تأکید را در نظر گرفته‌اند بلکه حتی در ترجمه خود آن را حذف کرده‌اند. در آیه دوم مترجمان در تشخیص ساختار جمله دچار لغزش شده‌اند و موصوف و صفت را به عنوان دو اسم در نظر گرفته‌اند. بنابراین شکل درست دستوری ترجمه آیه دوم به زبان فرانسه می‌توانست به صورت «subject+verb+attribute» (مسند الیه + فعل + مسند) باشد. همچنین دکتر فخری و کازیمیرسکی کلمه صمد را به «éternel» ترجمه کرده‌اند. این کلمه به معنی بی‌آغاز و ازلی است. لذا نمی‌تواند معادل مناسبی برای واژه صمد که به معنی بی‌نیاز مطلق است، باشد. در آیه سوم نیز دکتر فخری در ترجمه زمان فعل «لم یلد» دچار لغزش شده است. همچنین وی در انتخاب معادل دقیق‌تر برای این فعل نیز موفق نبوده‌است، زیرا با توجه گستردگی معنایی که مفسران برای معنای این فعل در نظر گرفته‌اند با انتخاب وی یعنی فعل «engendrer» همخوانی ندارد. در آیه چهارم نیز حمید/الله و کازیمیرسکی در انتخاب معادل مناسب برای واژه «کفواً» دقت لازم را نداشته‌اند. بنابراین در یک نگاه کلی می‌توان گفت ترجمه حمید/الله بیش‌تر نقاط ضعف دستوری دارد. دکتر فخری یک مسلمان ایرانی است که او نیز بیش‌تر ضعف دستوری دارد تا اعتقادی. در پایان کازیمیرسکی، لهستانی ساکن پاریس از لحاظ معنایی و اعتقادی با مترجمان مسلمان متفاوت است. البته اشتباهات گرامری وی به دلیل زندگی در قرن نوزدهم حائز اهمیت است که با فرانسه عهد ما اندکی تفاوت دارد.

کتابنامه

- آقاگل زاده، فردوس. ۱۳۸۵ش، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی فرهنگی.
- آقاگل زاده، فردوس. ۱۳۸۶ش، *فرهنگ توصیفی گفتمان انتقادی و کاربردشناسی*، تهران: علم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۶۳ش، *تفسیر المیزان*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- علیزاده، یعقوب. ۲۰۰۵م، *فرهنگ قواعد عربی و روش‌های ترجمه*، تهران: دانش پروران.

منابع غیر فارسی

- Fakhri, Abolghasem (2003), *The Koran, the translation (French, Arabic)*, Qom
- Fairclough, Norman (1990), *Critical discourse analysis*, translated by Fateme Shayeste Piran, Editors: Mohammad Nabavi and Mehran Mohajer, Tehran: Ministry of culture and Islamic guidance
- Hamidollah, Mohammad (1994), *The Koran, the translation (French, Arabic)*, Qom, Ansarian the little Robert, *Alphabetic and analogic dictionary of the French language*, Paris
- Khalaji, Abbas (1386), *Theoretical flaws and the political failures of reformist discourse*, PHD Thesis, University of Tehran
- Moin, Mohammad (1381), *Persian dictionary*, volume 5, Tehran: Arad book publication
- Tabarsi, Shaykh Abu Ali Fazl ibn Hassan (1378), *Tafsir Majme Albayan*, Editor: Farahani, volume 30, Tehran: Scientific publications
- Van Dijk, T.A. (1998a). *Critical discourse analysis available* :<http://www.hum.uva.nl/teun/cda.htm>. (1/25/2000)
- Wodak, Ruth (2005). *Critical discourse analysis at the end of 20th century*, *Research on language and social introduction*, 32(1&2).
- Aghagolzade, Ferdos (1385), *Critical discourse analysis: Genesis of discourse analysis in linguistics*, Tehran: Scientific and cultural
- Aghagolzade, Ferdos (1386), *Descriptive culture of discourse and pragmatics*, Tehran: Scientific
- Allame Tabatabaee (1363), *Tafsir Almizan*, Volume 20, Tehran: Islamic publishers office

Bibliography

- Alizadeh, Yaghoob (2005), *Arabic golden grammar with new translation methods*, Tehran, Daneshparvar
- Fakhri, Abolghasem (2003), *The Koran, the translation (French, Arabic)*, Qom
- Fairclough, Norman (1990), *Critical discourse analysis*, translated by Fateme Shayeste Piran, Editors: Mohammad Nabavi and Mehran Mohajer, Tehran: Ministry of culture and Islamic guidance
- Hamidollah, Mohammad (1994), *The Koran, the translation (French, Arabic)*, Qom, Ansarian the little Robert, *Alphabetic and analogic dictionary of the French language*, Paris
- Khalaji, Abbas (1386), *Theoretical flaws and the political failures of reformist discourse*, PHD Thesis, University of Tehran
- Moin, Mohammad (1381), *Persian dictionary*, volume 5, Tehran: Arad book publication

- Tabarsi, Shaykh Abu Ali Fazl ibn Hassan (1378), Tafsir Majme Albayan, Editor: Farahani, volume 30, Tehran: Scientific publications
- Van Dijk, T.A. (1998a). Critical discourse analysis available : <http://www.hum.uva.nl/teun/cda.htm>. (1/25/2000)
- Wodak, Ruth (2005). Critical discourse analysis at the end of 20th century, Research on language and social introduction, 32(1&2).

Study and Comparison of Three French Translations of Towhis Surah with Discourse Analysis Approach

Nadereh Zamani: Instructor, English Language, Semnan University

Fatemeh Zamani: Instructor, Persian Language & Literature, Semnan University

Abstract

One of the most important principles in translating is loyalty to the original text or equivalence. Therefore, in addition to influence on the grammar of the origin and destination, for the translator it is necessary to be aware of the cultural, social, historical, etc. of the context of the translated text. This is even more important in the translation of religious texts, including Holy Quran. In the present article three French translations of Tawhid Surah are compared relying the discourse analysis approach to determine which translation is closer to the text of the Quran.

Keywords: Quran, discourse – based structures, word selection, equivalence.